

نقش واسطه‌ای هدف در زندگی در رابطه جهت‌گیری دینی با شادی و رضایت از زندگی

The Intermediary Role of Purpose in Life in Relationship between Religious Orientation and Satisfaction in Life

✍ ناصر آقابابائی / دکترای روان‌شناسی عمومی، دانشگاه علامه طباطبائی

Naser Aqa Babaie / PhD of General Psychology, ATU. naseragha@gmail.com

Abstract

The present study aims at investigating the intermediary role of purpose in life in relationship between religious orientation and subjective well-being. 399 university students answered the questionnaires on the scale of subjective well-being, scale of life satisfaction, revised scale of religious orientation, and modified test on purpose in life. The study is of correlation type and makes use of methods such as correlation coefficient, regression, and Sobel test to analyze the findings. The findings show that the relationship of religious standards with happiness and life satisfaction are positive and meaningful. These relations are stronger with life satisfaction and purpose in life. The relationship between purpose in life and religious variables and subjective well-being is positive, and the intermediary role of purpose in life in relationship

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش واسطه‌ای هدف در زندگی در رابطه جهت‌گیری دینی با بهزیستی فاعلی انجام شد. ۳۹۹ دانشجوی به مقیاس شادی فاعلی، مقیاس رضایت از زندگی، مقیاس تجدید نظر شده جهت‌گیری دینی و آزمون اصلاح شده هدف در زندگی پاسخ دادند. این پژوهش از نوع همبستگی است و از روش‌هایی چون ضریب همبستگی، رگرسیون و آزمون سوبل برای تحلیل یافته‌ها استفاده شد. یافته‌ها نشان داد روابط شاخص‌های دینداری با شادی و رضایت از زندگی مثبت و معنادار بود. این روابط در مورد رضایت از زندگی و هدف در زندگی نیرومندتر بود. رابطه هدف در زندگی با متغیرهای دینی و بهزیستی فاعلی مثبت بود و نقش واسطه‌ای هدف در زندگی در رابطه با جهت‌گیری دینی با شاخص‌های بهزیستی تأیید شد. پژوهش حاضر به شناخت رابطه دینداری با بهزیستی و سلامت روانی کمک می‌کند و

between religious orientation and well-being standards is verified. The present study helps identify the relationship between piety and psychological well-being and health. It also introduces some mechanisms for future studies.

Keywords: religion, religious orientation, subjective well-being, purpose in life.

راهکارهایی برای پژوهش‌های آینده در اختیار می‌گذارد.

کلیدواژه‌ها: دین، جهت‌گیری دینی، بهزیستی فاعلی، هدف در زندگی.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین عناصر زندگی مردم در همه فرهنگ‌ها بهزیستی فاعلی^۱ است؛ از همین رو دانشمندان می‌کوشند عامل‌های پرورش آن را بیابند. بهزیستی فاعلی به ارزیابی عاطفی و شناختی افراد از خود و زندگی‌شان اشاره می‌کند و شامل تجربه کردن هیجان‌های دلپذیر، رضایت زندگی بالا و سطح پایین خلق منفی است (دینر^۲، امونز^۳، لارسن^۴ و گرین^۵، ۱۹۸۵). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که افراد دارای سطوح بالای بهزیستی در ابعاد مختلف زندگی موفق‌ترند (لیوبومرسکی^۶، کینگ^۷ و دینر، ۲۰۰۵). بنابراین برای یک جامعه پویا و خواهان پیشرفت، پرداختن به موضوع بهزیستی و مطالعه همبسته‌ها و پیشایندهای آن مسأله‌ای حیاتی است.

دین از آغاز پیدایش علم روان‌شناسی با آن قرین بوده است. این تاریخچه با مناقشه‌ای درباره نقش دین در بهزیستی فرد و جامعه همراه است. محور نزاع یادشده، که تا امروز ادامه دارد، این مسأله است: آیا دین در سلامت روان‌شناختی سهیم است یا مانع آن می‌شود؟ فارغ از تنازعات نظری، پژوهش‌ها رابطه بهزیستی را با گستره وسیعی از متغیرهای دینی، همچون جهت‌گیری دینی (سلسمن^۸، براون^۹، برچینگ^{۱۰} و کارلسن^{۱۱}، ۲۰۰۵)، نگرش به

1. subjective well-being
2. Diener, E.
3. Emmons, R.A.
4. Larsen, R.J.

5. Griffin, S.
6. Lyubomirsky, S.
7. King, L.
8. Salsman, J.M.

9. Brown, T.L.
10. Brechting, E.H.
11. Carlson, C.R.

دین (فرانسیس^۱، زیبرتس^۲ و لویس^۳، ۲۰۰۳)، حضور در تشریفات و مراسم دینی (فریس^۴، ۲۰۰۲)، فعالیت‌های دینی (قمری، ۱۳۸۹)، مقابله مذهبی (لویس، مالتبی^۵ و دی^۶، ۲۰۰۵)، باور دینی (دزوتر^۷، سوننز^۸ و هاتسبات^۹، ۲۰۰۶) تعهد دینی (هیگس^{۱۰} و کینگ^{۱۱}، ۲۰۰۸)، علاقه به دین (آقابابایی^{۱۲}، ۲۰۱۴)، دعا (پولوما^{۱۳} و پندلتون^{۱۴}، ۱۹۸۹)، مناسک حج (احمدی و هراتیان، ۱۳۹۱)، قدردانی از خدا (رزماریان^{۱۵}، پیروتینسکی^{۱۶}، کوهن^{۱۷}، گالر^{۱۸} و کرومری^{۱۹}، ۲۰۱۱)، اهمیت خدا در زندگی (اسنوپ^{۲۰}، ۲۰۰۸)، تجربه دینی (هیلز^{۲۱} و آرگایل^{۲۲}، ۱۹۹۸) و تردید دینی (گوتیر^{۲۳}، کریستوفر^{۲۴}، والتر^{۲۵}، موراد^{۲۶} و مارک^{۲۷}، ۲۰۰۶) بررسی کرده‌اند. بیشتر پژوهش‌ها رابطه دینداری با رضایت از زندگی، شادی و حرمت خود را مثبت گزارش کرده‌اند؛ گرچه برخی از پژوهش‌ها رابطه معناداری نیافتند (مانند اسنوپ، ۲۰۰۸؛ فرانسیس، الکن^{۲۸} و رایبیز^{۲۹}، ۲۰۱۲؛ لویس، ۲۰۰۲؛ لویس، مالتبی و برکینشا^{۳۰}، ۲۰۰۰ و هولدر^{۳۱}، کولمن^{۳۲} و والیس^{۳۳}، ۲۰۱۰) یا حتی رابطه منفی میان دینداری و بهزیستی به دست آورده‌اند (مانند براون^{۳۴} و تیرنی^{۳۵}، ۲۰۰۹؛ سیلیک^{۳۶} و کتکارت^{۳۷}، ۲۰۱۴ و هیلز و آرگایل، ۱۹۹۸). این نتایج ناپایدار تابعی از شیوه عملیاتی کردن دینداری و سلامت روانی است (دزوتر و دیگران، ۲۰۰۶ و سلسمن و دیگران، ۲۰۰۵).

گفته شده است که جهت‌گیری دینی (در مقایسه با اشتغال دینی) نقش مهم‌تری در سلامت و بهزیستی دارد. جهت‌گیری‌های دینی، در مقایسه با جنبه‌های نسبتاً سطحی اشتغال دینی، نشان‌دهنده ویژگی‌های ریشه‌داری هستند که از عامل‌های بافتاری کمتر اثر می‌پذیرند و شاخص بهتری برای کارکرد عمومی فرد هستند (دزوتر و دیگران، ۲۰۰۶). جهت‌گیری دینی پایدارترین مفهوم دینی در روان‌شناسی دین است (کراوس^{۳۸} و هود^{۳۹}، ۲۰۱۳). آلپورت دو نوع دینداری را معرفی کرد: درونی^{۴۰} و بیرونی^{۴۱}، فردی که دین را هدف و مؤلفه اصلی هویت خود می‌بیند دارای جهت‌گیری درونی است و فردی که دین

- | | | | |
|------------------|---------------------|-----------------------|-------------------|
| 1. Francis, L.J. | 12. Aghababaei, N. | 23. Gauthier, K.J. | 34. Brown, P.H. |
| 2. Ziebertz, H. | 13. Poloma, M.M. | 24. Christopher, A.N. | 35. Tierney, B. |
| 3. Lewis, C.A. | 14. Pendleton, B.F. | 25. Walter, M.I. | 36. Sillick, W.J. |
| 4. Ferriss, A.L. | 15. Rosmarin, D.H. | 26. Mourad, R. | 37. Cathcart, S. |
| 5. Maltby, J. | 16. Pirutinsky, S. | 27. Marek, P. | 38. Krauss, S.W. |
| 6. Day, L. | 17. Cohen, A.B. | 28. Elken, A. | 39. Hood, R.W.Jr. |
| 7. Dezutter, J. | 18. Galler, Y. | 29. Robbins, M. | 40. intrinsic |
| 8. Soenens, B. | 19. Krumrei, E.J. | 30. Burkinshaw, S. | 41. extrinsic |
| 9. Hutsebaut, D. | 20. Snoep, L. | 31. Holder, M.D. | |
| 10. Hicks, J.A. | 21. Hills, P. | 32. Coleman, B. | |
| 11. King, L.A. | 22. Argyle, M. | 33. Wallace, J.M. | |

را وسیله‌ای برای دستیابی به هدف‌های دیگر می‌بیند، جهت‌گیری برونی دارد (آپورت^۱ و راس^۲، ۱۹۶۷). طبق الگوی آپورت، بعد درونی باید بهتر پیش‌بینی بکند که افراد طبق باورها و ارزش‌های دینی‌شان عمل خواهند کرد یا نه. آپورت دینداری درونی را سالم‌تر از دینداری برونی قلمداد می‌کرد.

بیشتر پژوهش‌ها از گزارش رابطه دینداری با بهزیستی و سلامت روانی فراتر نرفته‌اند و از توضیح چگونگی تأثیر دین در بهزیستی و سلامت روانی وامانده‌اند. واری‌های متغیرهایی که بتوانند در این باره نقش میانجی یا واسطه داشته باشند گامی رو به جلو در تدوین الگویی برای اثربخشی دین در سلامت روانی و بهزیستی است. به نظر می‌رسد معنا یا هدف در زندگی^۳ مهم‌ترین سازه‌ای است که می‌تواند میانجی رابطه دین با بهزیستی در نظر گرفته شود. از یک سو گفته شده است که یکی از ارمان‌های دین برای مردم هدف در زندگی است (فرانسیس، جول^۴ و رایینز، ۲۰۱۰) و از سوی دیگر، هدف در زندگی رابطه نیرومندی با بهزیستی فاعلی دارد (فرانسیس و دیگران، ۲۰۱۰). فرانکل^۵ (۱۹۵۸) به نقل از کرومبا^۶ و ماهولیک^۷ (۱۹۶۴) می‌گوید: «بنیان انگیزش انسان عبارت است از خواستن معنا^۸. هنگامی که معنا یافت نشود، فرد دچار سرخوردگی هستی‌شناختی می‌شود. این حالت به نوبه خود، بسته به وجود دیگر عوامل پویا، ممکن است به آسیب‌شناسی بینجامد یا نینجامد». به گفته فیلسوف^۹ هستی‌گرا، تیلیش^۹ (۱۹۵۲) به نقل از فرانسیس و دیگران، (۲۰۱۰)، «هدف در زندگی بخش مهمی از جوهره دین است».

بیشتر کارهای اولیه رابطه این معنا یا هدف در زندگی را با آسیب‌شناسی روانی بررسی کرده‌اند (مانند کرومبا و ماهولیک، ۱۹۶۴)؛ اما پژوهش‌های اخیر بر رویکرد روان‌شناسی مثبت‌گرا متمرکز شده‌اند تا همبسته‌های مثبت آن را شناسایی کنند. این پژوهش‌ها نشان داده‌اند که هدف در زندگی رابطه‌ای نیرومند با عاطفه مثبت و رضایت از زندگی دارد (آردلت^{۱۰}، ۲۰۰۳؛ استگر^{۱۱}، فریزر^{۱۲}، اویشی^{۱۳} و کالر^{۱۴}، ۲۰۰۶؛ برد^{۱۵}، هاگمان^{۱۶} و بل‌ایل^{۱۷}، ۲۰۰۷ و شولنبرگ^{۱۸}، اشنتزر^{۱۹} و بوخنان^{۲۰}، ۲۰۱۱). سیلیک و کتکارت (۲۰۱۴) نقش واسطه‌ای هدف در زندگی را

1. Allport, G.W.

2. Ross, M.

3. meaning or purpose in life

4. Jewell, A.

5. Frankl, V.

6. Crumbaugh, J.

7. Maholick, L.

8. will to meaning

9. Tillich, P.

10. Ardel, M.

11. Steger, M.F.

12. Frazier, P.

13. Oishi, S.

14. Kaler, M.

15. Byrd, K.R.

16. Hageman, A.

17. Belle Isle, D.

18. Schulenberg, S.E.

19. Schnetzer, L.W.

20. Buchanan, E.M.

در رابطه جهت‌گیری دینی با شادی آزمودند و این رابطه را تأیید کردند؛ اما بر خلاف انتظار، دینداری درونی از طریق هدف در زندگی، نمره پایین در شادی را پیش‌بینی کرد، در حالی که دینداری برونی نمره بالا در شادی را پیش‌بینی نمود. محدودیت پژوهش آنان، استفاده از پرسش‌نامه شادی آکسفورد^۱ در گروهی از دانشجویان استرالیا بود. به گفته کشدان^۲ (۲۰۰۴)، پرسش‌نامه یادشده مقیاسی نامعتبر برای سنجش شادی یا بهزیستی فاعلی است. آقابابایی و بلچنیو^۳ (۲۰۱۴) با استفاده از مقیاس‌های معتبر بهزیستی فاعلی (مقیاس رضایت از زندگی^۴ و مقیاس شادی فاعلی^۵) در میان جمعی از دانشجویان کاتولیک لهستانی، نشان دادند که دینداری درونی از طریق هدف در زندگی به‌خوبی می‌تواند نمره‌های بالا در شادی و رضایت از زندگی را پیش‌بینی کند. کشدان و نزلک^۶ (۲۰۱۲) نیز نقش واسطه‌ای هدف در زندگی را در رابطه معنویت با حرمت خود و عاطفه مثبت تأیید کردند.

هدف پژوهش حاضر نیز بررسی تعمیم‌پذیری این یافته‌ها در جامعه مسلمان ایران است. با توجه به پیشینه و ادبیات پژوهشی که مرور شد، این پژوهش فرض می‌گیرد که دینداری، از طریق هدف در زندگی، شاخص‌های بهزیستی فاعلی را در میان آزمودنی‌های مسلمان ایرانی نیز پیش‌بینی می‌کند.

روش پژوهش

این پژوهش به روش همبستگی است و برای تحلیل داده‌ها از نسخه شانزدهم نرم افزار «اس پی اس اس»^۷ و شاخص‌ها و روش‌های آماری، همچون ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون و آزمون سوبل، استفاده شد.

جامعه پژوهش شامل دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی، دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه پیام نور بود. نمونه پژوهش مشتمل بر ۳۹۹ دانشجو، ۲۵۸ زن و ۱۴۱ مرد، بود که به صورت در دسترس گزینش شدند. با توجه به تعداد متغیرهای پژوهش، حجم نمونه بسنده است. میانگین سنی نمونه برابر با ۲۲/۵۶ سال با انحراف استاندارد ۵/۱۸ و دامنه ۱۸ تا ۵۵ سال بود. ۸۰/۲ درصد از شرکت‌کنندگان مجرد و همه آنان مسلمان بودند. آزمودنی‌ها در محیط کلاس درس، به صورت گروهی به پرسش‌نامه‌های پژوهش پاسخ دادند.

1. Oxford Happiness Questionnaire
2. Kashdan, T.B.
3. Błachnio, A.
4. satisfaction with life scale

5. subjective happiness scale
6. Nezlek, J.B.
7. sciences statistical package for the social (SPSS)

ابزارهای پژوهش

۱. **مقیاس شادی فاعلی:** لیوبومرسکی و لپر^۱ (۱۹۹۹) این مقیاس ۴ گویه‌ای را برای اندازه‌گیری شادی ساخته‌اند. دو گویه نخست آن از پاسخ‌دهنده می‌خواهد که شادی خود را ابتدا به صورت مستقل و بعد در مقایسه با همگنان خود درجه‌بندی کند. گویه‌های سه و چهار به ترتیب افراد شاد و غمگین را توصیف می‌کنند و از پاسخ‌دهنده می‌پرسند که این اوصاف چه اندازه درباره او درست هستند. ضریب آلفای کرونباخ مقیاس از ۰/۷۹ تا ۰/۹۴ گزارش شده است (لیوبومرسکی و لپر، ۱۹۹۹ و هولدر و دیگران، ۲۰۱۰). ضریب آلفای کرونباخ نسخه فارسی مقیاس برابر با ۰/۷۶ و همبستگی آن با مقیاس رضایت از زندگی از ۰/۴۳ تا ۰/۴۹ گزارش شده است (آقابابایی، فراهانی، رحیمی‌نژاد و فاضلی مهرآبادی، ۱۳۸۸). شرکت‌کنندگان به یک مقیاس هفت درجه‌ای لیکرت پاسخ دادند.

۲. **مقیاس رضایت از زندگی:** این مقیاس که دارای ۵ گویه و تک عاملی است، برای سنجش بُعد شناختی بهزیستی فاعلی ساخته شده و از پرکاربردترین ابزارها در زمینه رضایت از زندگی است. پایایی بازآزمایی این مقیاس با فاصله دو ماه برابر با ۰/۸۲ و پایایی درونی آن با روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۷ به دست آمده است (دینر و دیگران، ۱۹۸۵). بیانی، کوچکی و گودرزی (۱۳۸۶) اعتبار این مقیاس را با روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۳ و با روش بازآزمایی برابر با ۰/۶۹ گزارش کرده‌اند. به گفته کشدان (۲۰۰۴) برای سنجش بهزیستی فاعلی، آزمون‌هایی چون مقیاس شادی فاعلی و مقیاس رضایت از زندگی، از مناسب‌ترین مقیاس‌ها هستند؛ چراکه کوتاه، مبتنی بر نظریه و فارغ از فشار زمانی‌اند و ویژگی‌های روان‌سنجی خوبی دارند. شرکت‌کنندگان به یک مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت پاسخ دادند.

۳. **مقیاس تجدید نظر شده جهت‌گیری دینی:** گورساج^۲ و مک‌فرسون^۳ (۱۹۸۹) این پرسش‌نامه ۱۴ گویه‌ای را برای سنجش انواع جهت‌گیری دینی ساخته‌اند. این مقیاس که برگرفته از مقیاس آلپورت و راس (۱۹۶۷) است، دینداری را در چارچوب جهت‌گیری دینی درونی، برونی فردی^۵ و برونی اجتماعی^۶ می‌سنجد. پایایی این پرسش‌نامه مناسب و قابل مقایسه با مقیاس اصلی است. این پرسش‌نامه، قابلیت کاربرد در افراد با سطوح مختلف تحصیلی را دارد. پایایی درونی خرده‌مقیاس‌های آن با روش آلفای کرونباخ در ایالات متحده

1. Lepper, H.S.

2. religious orientation scale-revised

3. Gorsuch, R.L.

4. McPherson, S.E.

5. extrinsic-personal

6. extrinsic-social

از ۰/۵۹ تا ۰/۸۴ و در ایران از ۰/۶۵ تا ۰/۷۴ به دست آمد (قربانی^۱، واتسن^۲، قراملکی^۳، موریس^۴ و هود، ۲۰۰۲). شرکت‌کنندگان به یک مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت پاسخ دادند.

۴. **آزمون هدف در زندگی**: این مقیاس ۲۰ گویه‌ای را کرومبا و ماهولیک (۱۹۶۴) برای سنجش معنا و هدف زندگی ویکتور فرانکل و با تکیه بر ادبیات هستی‌گرایی، به‌ویژه معنادرمانی، ساخته‌اند (کرومبا و ماهولیک، ۱۹۶۴)؛ این آزمون پرکاربردترین مقیاس هدف در زندگی است (استگر و همکاران، ۲۰۰۶). کرومبا و ماهولیک (۱۹۶۴) پایایی این مقیاس را با روش دونیم‌سازی برابر با ۰/۸۱ گزارش کردند و همبستگی آن با پرسش‌نامه فرانکل^۵ را برابر با ۰/۶۸ به دست آوردند. همچنین استگر و همکاران (۲۰۰۶)، برد و همکاران (۲۰۰۷)، دزوتر و همکاران (۲۰۰۶) و هیکس و همکاران (۲۰۰۸) پایایی درونی این مقیاس را با روش آلفای کرونباخ به ترتیب برابر با ۰/۸۸، ۰/۸۷، ۰/۹۴ و ۰/۹۰ گزارش کردند. استگر و همکارانش (۲۰۰۶) نیز پایایی بازآزمایی آن را برابر با ۰/۸۶ به دست آوردند. آلفای کرونباخ نسخه فارسی مقیاس هم برابر با ۰/۹۲ به دست آمده است (چراغی، عریضی و فراهانی، ۱۳۸۷). در پژوهش حاضر از نسخه اصلاح‌شده هارلو، نیوکامب و بتنلر (۱۹۸۷) استفاده شد. شرکت‌کنندگان به یک مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت پاسخ دادند.

یافته‌های پژوهش

همبستگی‌های متقابل متغیرهای پژوهش و ضرایب آلفای کرونباخ مقیاس‌های به کار رفته در پژوهش در جدول شماره ۱ به تصویر کشیده شده‌اند. همه پرسش‌نامه‌ها سطح قابل قبولی از پایایی درونی را نشان دادند. دینداری با هدف در زندگی و شاخص‌های بهزیستی فاعلی، به‌ویژه رضایت از زندگی، روابط مثبت ضعیف تا متوسط داشت. رابطه هدف در زندگی نیز با شاخص‌های بهزیستی مثبت و نیرومند بود.

1. Ghorbani, N.

3. Ghramaleki, A.F.

5. purpose in life test

2. Watson, P.J.

4. Morris, R.J.

6. The Frankl Questionnaire

جدول ۱: همبستگی متغیرهای پژوهش

الفای کرونباخ	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱. شادی	۰/۷۸					
۲. رضایت از زندگی	۰/۸۱	۰/۴۸**				
۳. هدف در زندگی	۰/۸۵	۰/۵۳**	۰/۶۰**			
۴. دینداری درونی	۰/۷۶	۰/۰۷	۰/۲۲**	۰/۲۷**		
۵. دینداری برونی فردی	۰/۸۱	۰/۱۰*	۰/۳۳**	۰/۳۱**	۰/۵۹**	
۶. دینداری برونی اجتماعی	۰/۷۹	۰/۱۱*	۰/۲۳**	۰/۱۵**	۰/۴۱**	۰/۳۵**

* $p < 0.05$; ** $p < 0.01$

به منظور بررسی توان پیش‌بینی‌کنندگی بهزیستی فاعلی از راه جهت‌گیری دینی و هدف در زندگی، سه رگرسیون چند متغیری اجرا شد. خلاصه نتایج این رگرسیون‌ها در جدول شماره ۲ آمده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود با ورود هدف در زندگی به معادلات رگرسیون، تغییراتی در روابط جهت‌گیری‌های دینی با شاخص‌های سه‌گانه بهزیستی فاعلی ایجاد شد، به‌گونه‌ای که دیگر بیشتر روابط معنادار نبودند؛ هرچند برخی از روابط معنادار ماندند.

جدول ۲: ضرایب رگرسیون پیش‌بینی بهزیستی فاعلی از راه جهت‌گیری دینی و هدف در زندگی

متغیر ملاک			شادی			رضایت از زندگی		
متغیرهای پیش‌بین	β	B	SE	β	B	SE	β	B
دینداری درونی	-۰/۰۸	-۰/۱۴	۰/۰۹	-۰/۰۹	-۰/۱۰	۰/۰۵		
دینداری برونی فردی	-۰/۰۹	-۰/۱۱	۰/۰۶	۰/۱۷**	۰/۱۴	۰/۰۴		
دینداری برونی اجتماعی	۰/۰۴	۰/۰۵	۰/۰۵	۰/۱۳**	۰/۱۱	۰/۰۳		
هدف در زندگی	۰/۵۸**	۱/۲۰	۰/۰۹	۰/۵۳**	۰/۷۷	۰/۰۵		
R^2			۰/۳۰**			۰/۴۰**		

* $p < 0.05$; ** $p < 0.01$

برای بررسی نقش واسطه‌ای هدف در زندگی در رابطه جهت‌گیری دینی با شاخص‌های بهزیستی فاعلی روش ضرایب حاصل ضرب^۱ به کار رفت؛ این روش با نام آزمون سوبل^۲ شناخته شده‌تر است. شایان ذکر است که این آزمون، مشروط به معناداری مسیرهای ارتباط‌دهنده متغیر پیش‌بین به متغیر واسطه‌ای یا متغیر واسطه‌ای به متغیر ملاک نیست (هیز،^۳ ۲۰۰۹). نتایج آزمون سوبل در جدول شماره ۳ آمده است. این نتایج نقش هدف در زندگی در روابط میان جهت‌گیری دینی و شاخص‌های بهزیستی فاعلی را تأیید کرد: هدف در زندگی، میانجی رابطه هر سه نوع جهت‌گیری دینی با هر دو بعد بهزیستی فاعلی شد. نتایج رگرسیون‌ها نیز گویای سهم عمده هدف در زندگی در رابطه دینداری با بهزیستی فاعلی بود.

جدول ۳: مقادیر Z سوبل برای معناداری کاهش ضرایب بتای مسیر

«جهت‌گیری دینی ← هدف در زندگی ← بهزیستی فاعلی»

رضایت از زندگی		شادی		متغیر ملاک
P	سوبل Z	P	سوبل Z	متغیر پیش‌بین
۰/۰۱	۵/۳۱	۰/۰۱	۵/۲۱	دینداری درونی
۰/۰۱	۵/۹۷	۰/۰۱	۵/۸۹	دینداری برونی فردی
۰/۰۱	۲/۹۷	۰/۰۱	۲/۹۵	دینداری برونی اجتماعی

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی آثار دینداری در سطح فردی و اجتماعی یکی از موضوع‌های مهم روان‌شناسی دین است و پژوهش‌های بسیاری درباره هر کدام از این آثار در دست است. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که رابطه دینداری با هدف در زندگی مثبت است. تحلیل محتوایی دین به باورها، آموزه‌ها و تشریفات رهنمون می‌شود که آشکارا به پرسش‌هایی بنیادین درباره معنا و هدف زندگی می‌پردازند. تحلیل کارکردی دین نیز فرایند معناسازی را بخش مهمی از علت وجودی دین و نظام‌های دینی معرفی می‌کند. از این رو، زمینه کاملاً روشنی برای رابطه مثبت میان دینداری و هدف در زندگی وجود دارد (فرانسیس و دیگران، ۲۰۱۰).

روابط مثبت دینداری با شادی و رضایت از زندگی از دیگر یافته‌های این پژوهش بود. رابطه دینداری با رضایت از زندگی نیرومندتر از رابطه آن با شادی بود. رضایت از زندگی

1. product of coefficients

2. Sobel test

3. Hayes, A.F.

مؤلفه شناختی بهزیستی فاعلی است و شادی مؤلفه هیجانی آن؛ پس نقش دین در جنبه شناختی بهزیستی بیش از نقش آن در جنبه هیجانی بهزیستی است. دو بُعد عاطفی و شناختی بهزیستی فاعلی گاه دارای همبسته‌ها و پیش‌بین‌های متفاوتی هستند. ممکن است نتوان یافته‌های پژوهش درباره یکی از این دو بُعد را به دیگری تعمیم داد، مثلاً شیماک^۱، شوپ^۲ و واگنر^۳ (۲۰۰۸) در آلمان نشان دادند که روان‌رنجورخویی پیش‌بین نیرومندتری برای بُعد عاطفی بهزیستی فاعلی بود تا برای بُعد شناختی آن. بی‌کاری و تفاوت‌های منطق‌های بین شرق و غرب آلمان پیش‌بین‌های نیرومندتری برای بُعد شناختی بودند تا برای بعد عاطفی.

در اینجا آنچه مهم است تبیین رابطه دین با بهزیستی فاعلی است. چه عاملی موجب می‌شود دینداری به رضایت بیشتر از زندگی بینجامد؟ پژوهش حاضر با هدف شناخت بیشتر رابطه دینداری با بهزیستی فاعلی، به بررسی نقش واسطه‌ای هدف در زندگی در رابطه یادشده پرداخت. یافته‌ها فرضیه پژوهش را تأیید کرده‌اند. دینداری از طریق هدف در زندگی نمرات بالاتر در شاخص‌های بهزیستی فاعلی را پیش‌بینی می‌کند.

مطالعه کارکرد معنابخشی دین در زندگی فردی و اثرات اجتماعی آن از موضوع‌های مهم در حوزه دین است. به گفته برخی از جامعه‌شناسان، اهمیت معنا در زندگی از آنجا ناشی می‌شود که با ورود به دنیای مدرن، نظام‌های ارزشی سنتی با چالش روبه‌رو شدند و سیال بودن دنیای مدرن، کثرت معناها و روایت‌های متعدد از آن انسان‌ها را دچار سرگشتگی و اضطراب کرد. دین نیروی توجیه شوربختی و خوشبختی انسان را دارد که بیشتر از راه قرار دادن تجربه‌های انسان در چارچوبی منظم و تفسیرپذیر ساختن آن‌ها نقش و کارکرد خود را ایفا و همانند سپهری معنابخش عمل می‌کند (سراجزاده و رحیمی، ۱۳۹۲). مقاله حاضر، مانند پیشینه پژوهشی خود، فرض گرفت که این دین و دینداری است که (از طریق فراهم آوردن معنا و هدف برای زندگی) موجب بهزیستی می‌شود؛ به عبارت دیگر، علیت دین برای بهزیستی در نظر گرفته شد. یک احتمال جایگزین این است که شادی و بهزیستی موجب گرایش به دین شوند و احتمال سوم این است که خود دین موجب بهزیستی نمی‌شود، بلکه متغیرهای وابسته و مرتبط به آن، مانند حمایت اجتماعی و سبک زندگی سالم، بهزیستی را به همراه دارند. پژوهش طولی امکان پرداختن به چنین پرسش‌هایی را میسر می‌سازد. در پژوهش طولی می‌توان مشاهده کرد که آیا در گذر زمان، دین و ایمان بر بهزیستی مقدم‌اند

یا بالعکس (میلر - پرین^۱ و کرومی مانچوسو^۲، ۲۰۱۵). پرداختن به احتمال‌های یادشده در دایره اهداف و در امکان پژوهش حاضر نبود و پژوهش‌های آینده می‌توانند این احتمالات را در نظر داشته باشند.

با ورود هدف به زندگی در معادله رگرسیون برای پیش‌بینی بهزیستی فاعلی، قدرت پیش‌بینی‌کنندگی دینداری از بین نرفت که نشان می‌دهد نقش واسطه‌ای هدف در زندگی به صورت کامل نیست. به عبارت دیگر، هدف در زندگی فقط تبیین‌کننده بخشی از رابطه دین با بهزیستی فاعلی است. از این رو متغیرهای دیگری هم می‌توانند در کنار هدف در زندگی نقش واسطه‌ای داشته باشند. از متغیرهایی که می‌توانند در رابطه دینداری با پیامدهای مثبت آن نقش داشته باشند می‌توان این موارد را برشمرد: حمایت اجتماعی، خوش‌بینی (سلسمن و دیگران، ۲۰۰۵)، امیدواری (وانک^۳ و مارسینکفسکی^۴، ۲۰۱۴) شفقت (استفن^۵ و مسترز^۶، ۲۰۰۵)، اضطراب مرگ (کوهن، پیرس جونیر^۷، چمبرز^۸، مید^۹، گوروبین^{۱۰} و کوئینگ^{۱۱}، ۲۰۰۵) و گذشت (توسینت^{۱۲}، مارشال^{۱۳} و ویلیامز^{۱۴}، ۲۰۱۲). هیل^{۱۵} و پارگمنت^{۱۶} (۲۰۰۳) نیز، با توجه به موفقیت محدود تلاش‌های صورت گرفته برای اثبات متغیرهای واسطه‌ای تأثیر دینداری بر سلامت روانی و بهزیستی، این احتمال را برجسته ساختند که دین به‌طور مستقیم بر سلامت اثر دارد.

نوشتار پیش رو از روان‌شناسی مثبت‌گرا برای مطالعه دین استفاده کرد. روان‌شناسی مثبت‌گرا در مورد چالش‌هایی که روان‌شناسی دین با آن مواجه می‌شود، حرف زیادی برای گفتن دارد. تأکید روان‌شناسی مثبت‌گرا بر معنا و هدف زندگی، به علاوه تمرکز بر مفاهیم کلیدی، که بسیاری‌شان خاستگاه دینی دارند و در رفتارهای دینی مشاهده می‌شوند، می‌تواند نقش پلی طبیعی را برای درک بیشتر نقش دین و معنویت در کارکردها و تعامل‌های انسان ایفا کند (میلر - پرین و کرومی مانچوسو، ۲۰۱۵). برحسب همین رویکرد، این پژوهش به بررسی کارکرد دین در زندگی شخصی افراد پرداخت و نشان داد که نقش هدف در زندگی در رابطه دین با بهزیستی قابل‌تعمیم به جامعه مسلمان ایران است. به هر رو استفاده از نمونه دانشجویی و ابزارهای گزارش شخصی موجب محدودیت تعمیم نتایج پژوهش

1. Miller-Perrin, C.

2. Krumrei Mancuso, E.

3. Wnuk, M.

4. Marcinkowski, J.T.

5. Steffen, P.R.

6. Masters, K.S.

7. Pierce Jr., J.D.

8. Chambers, J.

9. Meade, R.

10. Gorvine, B.J.

11. Koenig, H.G.

12. Toussaint, L.L.

13. Marschall, J.C.

14. Williams, D.R.

15. Hill, P.C.

16. Pargament, K.I.

می‌شود. شایسته است پژوهش‌های آینده، با مطالعه دیگر گروه‌های جامعه و با استفاده از روش‌هایی چون گزارش دیگران و ثبت خاطرات روزانه، به بررسی نقش واسطه‌ای سایر متغیرها بپردازند.

منابع

- آقابابایی، ناصر، فراهانی، حجت‌الله، رحیمی‌نژاد، عباس و فاضلی مهرآبادی، علیرضا. (۱۳۸۸)، «معنویت و احساس شخصی روان‌درستی در دانشجویان و طلاب»، *مجله علوم روان‌شناختی*، ۳۱، ۳۶۰-۳۷۲.
- احمدی، محمدرضا و هراتیان، عباس‌علی (۱۳۹۱)، «اثربخشی مناسک عمره مفرده بر شادکامی و سلامت روانی»، *روان‌شناسی و دین*، ۱۹، ۴۱-۶۲.
- بیانی، علی‌اصغر، کوچکی، عاشورمحمد و گودرزی، حسنیه (۱۳۸۶)، «اعتبار و روایی مقیاس رضایت از زندگی»، *روان‌شناسان ایرانی*، ۳(۱۱)، ۲۵۹-۲۶۵.
- سراجزاده، سید حسین و رحیمی، فرشته، (۱۳۹۲)، «رابطه دینداری با معناداری زندگی در یک جمعیت دانشجویی»، *راهبرد فرهنگ*، ۲۴، ۷-۳۰.
- قمری، محمد، (۱۳۹۰)، «رابطه دینداری و حمایت اجتماعی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی منطقه دو»، *روان‌شناسی و دین*، ۱۳، ۸۹-۱۰۴.

Aghababaei, N. (2014), "God, the good life, and HEXACO: The relations among religion, subjective well-being and personality", *Mental Health, Religion & Culture*, 17(3), 284-290.

Aghababaei, N., & Błachnio, A. (2014), "Purpose in life mediates the relationship between religiosity and happiness: Evidence from Poland", *Mental Health, Religion & Culture*, 17(8), 827-831.

Allport, G. W., & Ross, M. (1967), "Personal religious orientation and prejudice", *Journal of Personality and Social Psychology*, 5(4), 432-443.

Ardelt, M. (2003), "Effects of religion and purpose in life on elders' subjective well-being and attitudes toward death", *Journal of Religious Gerontology*, 14(4), 55-77.

Brown, P. H., & Tierney, B. (2009), "Religion and subjective well-being among the elderly in China", *The Journal of Socio-Economics*, 38, 310-319.

Byrd, K. R., Hageman, A., & Belle Isle, D. (2007), "Intrinsic motivation and subjective well-being: The unique contribution of intrinsic religious motivation»" *The*

International Journal for the Psychology of Religion, 17(2), 141–156.

Cohen, A. B., Pierce Jr., J. D., Chambers, J., Meade, R., Gorvine, B. J., & Koenig, H. G. (2005), “Intrinsic and extrinsic religiosity, belief in the afterlife, death anxiety, and life satisfaction in young Catholics and Protestants”, *Journal of Research in Personality*, 39, 307–324.

Crumbaugh, J., & Maholick, L. (1964), “An experimental study of existentialism: The psychometric approach to Frankl’s concept of noogenic neurosis”, *Journal of Clinical Psychology*, 20, 200–207.

Dezutter, J., Soenens, B., & Hutsebaut, D. (2006), “Religiosity and mental health: A further exploration of the relative importance of religious behaviors vs. religious attitudes”, *Personality and Individual Differences*, 40, 807–818.

Diener, E., Emmons, R. A., Larsen, R. J., & Griffin, S. (1985), “The Satisfaction with Life Scale”, *Journal of Personality Assessment*, 49(1), 71–75.

Ferriss, A. L. (2002), “Religion and the quality of life”, *Journal of Happiness Studies*, 3, 199–215.

Francis, L. J., Elken, A., & Robbins, M. (2012), “The affective dimension of religion and personal happiness among students in Estonia”, *Journal of Research on Christian Education*, 21(1), 84–90.

Francis, L. J., Jewell, A., & Robbins, M. (2010), “The relationship between religious orientation, personality, and purpose in life among an older Methodist sample”, *Mental Health, Religion & Culture*, 13, 777–791.

Francis, L. J., Ziebertz, H., & Lewis, C. A. (2003), “The relationship between religion and happiness among German students”, *Pastoral Psychology*, 51(4), 273–281.

Gauthier, K. J., Christopher, A. N., Walter, M. I., Mourad, R., & Marek, P. (2006), “Religiosity, religious doubt, and the need for cognition: Their interactive relationship with life satisfaction”, *Journal of Happiness Studies*, 7, 139–154.

Ghorbani, N., Watson, P. J., Gharamaleki, A. F., Morris, R. J., & Hood, R. W. (2002), “Muslim-Christian Religious Orientation Scales: Distinctions, correlations, and cross-cultural analysis in Iran and the United States”, *The International Journal for the Psychology of Religion*, 12(2), 69–91.

Gorsuch, R. L., & McPherson, S. E. (1989), “Intrinsic/extrinsic measurement:

I/E-revised and single-item scales”, *Journal for the Scientific Study of Religion*, 28(3), 348–354.

Hayes, A. F. (2009), “Beyond Baron and Kenny: Statistical mediation analysis in the new millennium”, *Communication Monographs*, 76(4), 408-420.

Hicks, J. A., & King, L. A. (2008), “Religious commitment and positive mood as information about meaning in life”, *Journal of Research in Personality*, 42, 43–57.

Hill, P. C. & Pargament, K. I. (2003), “Advances in the conceptualization and measurement of religion and spirituality: Implications for physical and mental health research”, *American Psychologist*, 58(1), 64-74.

Hills, P., & Argyle, M. (1998), “Musical and religious experiences and their relationship happiness”, *Personality and Individual Differences*, 25, 91-102.

Holder, M. D., Coleman, B., & Wallace, J. M. (2010), “Spirituality, religiousness, and happiness in children aged 8–12 years”, *Journal of Happiness Studies*, 11, 131-150.

Kashdan, T. B. (2004), “The assessment of subjective well-being (Issues raised by the Oxford Happiness Questionnaire)”, *Personality and Individual Differences*, 36, 1225-1232.

Kashdan, T. B., & Nezlek, J. B. (2012), “Whether, when, and how is spirituality related to well-being? Moving beyond single occasion questionnaires to understanding daily process”, *Personality and Social Psychology Bulletin*, 38(11), 1523-1535.

Krauss, S. W., & Hood, R. W. Jr. (2013), *New approach to religious orientation: The Commitment-Reflectivity Circumplex*, New York: Rodopi.

Lewis, C. A. (2002), “Church attendance and happiness among Northern Irish undergraduate students: No association”, *Pastoral Psychology*, 50(3), 191-195.

Lewis, C. A., Maltby, J., & Burkinshaw, S. (2000), “Religion and happiness: Still no association”, *Journal of Beliefs & Values*, 21(2), 233-236.

Lewis, C. A., Maltby, J., & Day, L. (2005), “Religious orientation, religious coping and happiness among UK adults”, *Personality and Individual Differences*, 38, 1193-1202.

Lyubomirsky, S., & Lepper, H. S. (1999), “A measure of subjective happiness: Preliminary reliability and construct validation”, *Social Indicators Research*, 46(2), 137-156.

Lyubomirsky, S., King, L., & Diener, E. (2005), "The benefits of frequent positive affect: Does happiness lead to success?", *Psychological Bulletin*, 131(6), 803-855.

Miller-Perrin, C., & Krumrei Mancuso, E. (2015), *Faith from a Positive Psychology Perspective*, New York: Springer.

Poloma, M. M., & Pendleton, B. F. (1989), "Exploring types of prayer and quality of life: A research note", *Review of Religious Research*, 31(1), 46-53.

Rosmarin, D. H., Pirutinsky, S., Cohen, A. B., Galler, Y., & Krumrei, E. J. (2011), "Grateful to God or just plain grateful? A comparison of religious and general gratitude", *The Journal of Positive Psychology*, 6, 389-396.

Salsman, J. M., Brown, T. L., Brechting, E. H., & Carlson, C. R. (2005), "The link between religion and spirituality and psychological adjustment: The mediating role of optimism and social support", *Personality and Social Psychology Bulletin*, 31(40), 522-535.

Schimmack, U., Schupp, J., & Wagner, G. G. (2008), "The influence of environment and personality on the affective and cognitive component of subjective well-being", *Social Indicators Research*, 89, 41-60.

Schulenberg, S. E., Schnetzer, L. W., Buchanan, E. M. (2011), "The Purpose in Life Test-Short Form: Development and psychometric support", *Journal of Happiness Studies*, 12, 861-876.

Sillick, W. J., & Cathcart, S. (2014), "The relationship between religious orientation and happiness: The mediating role of purpose in life", *Mental Health, Religion & Culture*, 17(5), 494-507.

Snoep, L. (2008), "Religiousness and happiness in three nations: A research note", *Journal of Happiness Studies*, 9, 207-211.

Steffen, P. R., & Masters, K. S. (2005), "Does compassion mediate the intrinsic religion-health relationship?", *Annals of Behavioral Medicine*, 30(3), 217-224.

Steger, M. F., Frazier, P., Oishi, S., & Kaler, M. (2006), "The Meaning in Life Questionnaire: Assessing the presence of and search for meaning in life", *Journal of Counseling Psychology*, 53(1), 80-93.

Toussaint, L. L., Marschall, J. C., & Williams, D. R. (2012), "Prospective associations between religiousness/spirituality and depression and mediating effects of forgiveness in a nationally representative sample of United States adults", *Depression*

Research and Treatment (vol. 2012), Hindawi Publishing Corporation.

Wnuk, M., & Marcinkowski, J. T. (2014), "Do existential variables mediate between religious-spiritual facets of functionality and psychological wellbeing", *Journal of Religion and Health*, 53(1), 56-67.